



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۴۱

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

سه شنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۰۹ — غره ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه : ۱۰ تومان
 داخله : ۱۲ تومان
 تك شماره : يكقران
 خارجه : ۱۲ تومان
 مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۰۹ * (غره ربیع الثانی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--|
| ۱ (تصویب صورت مجلس | ۴ (شور ثانی و تصویب الحاق ایران بقرار داد تسهیلات گمرکی |
| ۲ (اجازه صدور مسکوک نقره برای مصارف قنسولگری چخانسور | ۵ (بقیه شور ثانی لایحه بانک فلاحی |
| ۳ (اجازه معافیت اوازم دفع مانع از عوارض | ۶ (موقع جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز سی ام مرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - قبل از دستور
 رئیس - آقای زوار
 زوار - قبل از دستور
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - آقای فیروز آبادی (نمایندگان - دستور دستور) خوب میفرمایند دستور .
 فیروز آبادی - بسیار خوب
 [۲ اجازه صدور مسکوک نقره برای مصارف قنسولگری چخانسور]
 رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خروج پول برای چخانسور :
 موافقتند ؟

رئیس - ماده واحده قرائت میشود :
 ماده واحده - برای پرداخت بودجه و اعتبارات خارج قنسولگری ایران در چخانسور و فرام مجلس شورای ملی اجازه میدهد مادامی که وسائل صدور حواله وجه بحمل مزبور فراهم نیست برای قنسولگری مذکور سالیانه در حدود سی هزار قران پول مسکوک ایران از سیستان بچخانسور حمل شود .
 رئیس - مخالفی نیست ؟ (خیر) آقای ملک هم موافقتند ؟

ملك مدنی - بلی .

رئیس - رای میگیریم به ماده واحده موافقین با ماده واحده قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

۴ - اجازة معافیت لوازم دفع ملخ از عوارض]

رئیس - خبر کمیسیون راجع به معافیت اثاثیه لوازم دفع ملخ از عوارض فرائت میشود

کمیسیون قوانین مالیه بتاريخ ۲۶ مرداد تشکیل و لایحه نمره ۳۴۹۷ دولت برای شورائی مطرح و چون اعتراضی نرسیده بود عین ماده واحده برای بصوبت تقدیم مجلس شورای ملی میشود :

ماده واحده - کلیه مواد شیمیائی و اثاثیه فنی که برای دفع ملخ باسم وزارت اقتصاد ملی از تاریخ ششم بهمن ماه ۱۳۰۸ بعد وارد ایران شده و یا در آتیه وارد خواهد شد علاوه بر معافیت حقوق گمرکی از پرداخت هرگونه عوارض دیگری از قبیل عوارض راه و انبار داری و شانس لری و غیره نیز معاف میباشد .

رئیس - شورائی ماده واحده مطرح است . آقای

ملك مدنی .

ملك مدنی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده قبلاً هم عرض کردم با اصل گمرکات و بعضی مالیاتها کلیه مخالفم چیزی که هست مخالفتی که در اینجا می کنم به همان ملاحظه است که عرض کردم دولت فرضاً چیزی میگیرد از این جیبش توی آن جیبش ریختن است ضرری بدو ات ابداً در این چیزها وارد نمیشود نه بدولت وارد میشود نه به ملت وارد میشود اساس ندارد که از این چیزهایی که بجهت دفع ملخ می آید گمرک بگیرند بگویند مال دولت است نگیرند مال دولت است نظری که در این قبیل امور دارم عرض کردم بعضی چیزها داریم که ممنوع است ورودش و مضر است در مملکت چون اینطور است که اگر بنا شد يك چیزی را گفتند گمرکش معاف است ممکن است چیزهای دیگری را هم بهمین اسم وارد کنند

و مضر باشد باین ملاحظه است که بنده مخالفت میکنم در این نوع مالیاتها و در گمرک مخالفم بلکه عقیده ام این است که ما عایدات مملکت را از استخراج معادن و ایجاد کارخانجات چندمقابل اینکه حالا داریم میتوانیم استفاده بکنیم بشرط اینکه دولت و ملت هر دو در این امور اقدام کنند و الا از گمرک گرفتن و گرفتن این چیزها چندان اهمیتی نمیدهم

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - آقای فیروز آبادی در شور اول این لایحه ...

رئیس - برای نویسنده ها دشوار است آقا بیایید اینجا

ملك مدنی (پشت کرسی نطق) - در شور اول این

لایحه حضرتعالی این فرمایشات را فرمودید و تا يك اندازه اینها مربوط باین لایحه نبود . وحشت آقا از این است که مبدا يك اشیائی وارد بشود که آنها ممنوع است در صورتی که در همان موقع هم بنده عرض کردم که آن اشیاء ممنوعه را خود دولت همانطوری که حضرتعالی هم نظر دارید بیشتر سعی است و هیچوقت ممکن نیست وارد بشود و اینهم يك چیزی است که خودتان هم فرمودید که فرقی نمیکند و اینهم يك چیزی است که سابقه دارد که لوازماتی که دولت احتیاج دارد و جنبه عمومی دارد همیشه از عایدات گمرکی معاف بوده و آن نگرانی حضرتعالی هم بهیچوجه بعقیده بنده مورد ندارد زیرا ما اطلاع داریم همانطوری که در شور اولش هم عرض کردم دولت خیلی دقیق است که اشیائی که ممنوع است وارد نشود و آنها هم ممنوع است و این فرمایش حضرتعالی بعقیده بنده موردی ندارد و جای نگرانی هم برای حضرت عالی باقی نیست .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در شور اول هم يك اظهاری کردم ناچارم در تعقیب آن عرایض سابقم يك رفع نومی از آقای فیروز آبادی بکنم . وقتی که در گمرک ما عوارض گرفته میشود بعد از آنکه در مملکت تشکیلاتی شد ناچار است برای تشکیلات خودش يك عوارضی

وضع کند و شما می فرمائید اگر بگیرد یا نگیرد از این جیب خودش به آن جیبش است . تخیر این تقسیم شدن کار است طرز تشکیلات است باید این ترتیب باشد و این لایحه که آمده است از نقطه نظر این است که دولت کاملاً متوجه است به دفع کردن آفات زراعات در اینجا اگر نظر نان باشد در دوره ششم تعقیب شد که این مسئله را باید تشویق کرد که مردم و ملت هم تشویق بشوند و قتیکه قانون در مجلس می آید که آزاد میکند وارد شدن سموم را برای دفع آفات زراعات تا ملت هم متوجه بشوند و قوای ملی

جمع بشود هم دولت هم ملت که این آفت را از بین بردارند پس فلسفه کلی در این است آزاد کردنش که بنده عرض کردم . لاکن چیزی که بنده عرض میکنم اینجا نوشته است که بعد وارد می شود در اینجا يك قید قانونی بشود که مادام که احتیاج مقتضی است . آقای

کازرونی در جواب بنده فرمودند که آبا فلانکس مطمئن است که این کی رفع می شود بنده عرض میکنم که تخیر بنده مطمئن نیستم که کی رفع می شود می گویم مادامیکه این هست یعنی قید رویش بگذارند که این آزاد است وارد کردنش مادامیکه احتیاج هست آنوقت این « مادامیکه احتیاج هست » که باشد آن مسئله نظر دارم رفع می شود و الا بنده اساساً عرض میکنم يك اشیاء که ممنوع است اسلحه الا آن ممنوع است داخل کردن مواد مخدره ممنوع است داخل کردن سموم ممنوع است يك مورد خاص می آید اجازه میدهد وارد کردنش را . مثلاً اسلحه برای قشونی نباید .

این مقید می شود . مخدرات تا آن اندازه که اطباء اجازه بدهند . سموم از برای دفع کردن ملخ مادامی که احتیاج هست آن چیزهاییکه ظاهراً ممنوع است بعد که قانون استثناء میکند فلسفه اش را بیان میکند ممنوع است ولی مادامیکه این فلسفه موجود است وارد می شود . بنده از جهت توضیح این اظهار را کردم حالا هم عقیده بنده این است که هر چیزی که قانوناً ممنوع شد بعد که استثناء باو بر خورد فلسفه اش ذکر شود و قتیکه فلسفه اش ذکر شد باید آن اصل مستثنی منه بحال خودش باقی باشد این نظر بنده بود و جواب

فرمایشات آقای کازرونی را هم خواستم بدهم .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - در جواب آقای فیروز آبادی يك نکته اظهار نشد و بقیه دارم اگر چنانچه بنده عرض کنم قانع میشوند . این آزادی تنها برای این نیست که خود شخص دولت متصدی آن امور باشد . چه بسا هست که مردم وارد میکنند دولت بفت ندارد تجارت بکنند و سمومی که برای اینکار لازم است خود دولت وارد کرده باشد البته وظیفه مردم است که برای اینکار مجاز هم خواهند بود که وارد کنند حالا که اینطور شد اگر ما این قانون را وضع نکردیم هر کسی وارد کرده میگویند گمرکش را بپردازد آنوقت منی که وارد کردم گمرک بدهم پول گمرک که میرود در خزانه میرود توی کیسه من ؛ ؛ خیر این قانون مانع این است که هر کس بتواند آزادانه وارد کرده از تأدیبه مالیات هم معاف باشند . اما جواب آقای آقا سید یعقوب عرض کردم چون اصلاً آفت موقت به وقت معین نیست این معافیت یعنی این اجازه ورود هم ممکن نیست موقت بوقتی بشود اگر ما میتوانستیم آن طرفش را محدود کنیم اینطرفش را هم محدود میکردیم جنابعالی مثلاً میفرمائید اگر ملخ نباشد مردم سمومی که برای دفع ملخ لازم است وارد میکنند برای اینکه باچای بخورند این يك چیزی است که فقط برای دفع ملخ است اگر ملخ باشد وارد میکنند اگر نباشد کارش چیست که وارد کنند ؛ ؛ البته این قید زاید است و قید را بیاورید یا بیاورید در ضمیرش مستتر است یعنی البته قند هم حتی در صورتی وارد میکنند که احتیاج ایجاب میکند در صورت عدم احتیاج هیچ چیزی را وارد نمیکند از این جهت خیال میکنم لزومی ندارد .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم به ماده واحده با ورقه آقایان

موافقین ورقه سفید خواهند داد

(اخذ آراء بعمل آمده شصت و هفت ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین ۷۵ باکثرت ۶۷ رای تصویب شد.

۴ - شور ثانی و تصویب لایحه الحاق ایران بقرارداد تسهیل گمرکی

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه شور ثانی مربوط با اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد تسهیلات گمرکی منعقد در ژنو:

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۵ مرداد تئیا لایحه نمره ۹۵۰۰ دولت را راجع بالحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی تحت مطالعه در آورده و چون اعتراضی نرسید بود عین ماده واحده سابق را تصویب و پیشنهاد مینماید

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع باین موضوع قرائت میشود:

خبر کمیسیون:

کمیسیون قوانین مالیه تاریخ ۲۶ مرداد تشکیل و لایحه نمره ۹۵۰۰ دولت را برای شور ثانی مطرح نموده و در نتیجه عین خبر سابق را تأیید و اینک برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید

رئیس - ماده واحده قرائت میشود:

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد الحاق قطعی ایران را بقرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقد در ژنو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۲۳ (۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۲) که مشتمل بر ۳۰ ماده و یک برتنکل اختتامیه میباشد اطلاع دهد

رئیس - آقای فیروز آبادی فرمایشی داشتید:

فیروز آبادی - بنده توضیحی میخواستم معنی این تسهیلات گمرکی را بفهمانند چون بنده خودم نفهمیده ام و نتوانستم بفهمم خواستم بفهمم این تسهیلات گمرکی چیست و الا با الغاء گمرک و تمام این چیزها موافقم با تسهیلاتش هم موافقم اما چون نفهمیدم خواستم توضیح بدهند که ببینم یعنی چه تسهیلات گمرکی یعنی چه که بین المللی است

وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - مبنی بر همان اساسی که خود آقا هم موافق هستند حتی الامکان اگر ممکن بود (بعقیده جماعت زیادی شاید اکثر مردمی که نظر دارند در امور اقتصادی) که اصلا گمرکات برطرف شود حالا که نظر به بعضی ملاحظات و بعضی جهات مجبوریم گمرک را داشته باشیم تمام ممالک دنیا آمده اند و این نظر را گرفته اند و گفته اند خوب حالا این قید را که بید نکهداشت پس حتی الامکان رفع نواقص را بکنیم و تسهیلات در آداب رسوم و در عملیات و کارهایی نکنیم که اعضاء و مامورین گمرکی در سرحدات بید معمول بدانند و طوری بشد که سریعتر و سهولتر مال التجاره از سرحدات عبور و مرور بکنند و آمده اند یک چیزهای فنی را ملاحظه کرده اند و یک ترتیباتی که بی ضرر بوده است برای همه ممالک مقرر داشته اند و اکثر دول هم این ترتیبات را قبول دارند و ما هم که اینجا مراجعه کردیم به گمرک خودمان اداره گمرک گفته اند ما اکثر این تسهیلات را هم میکنیم در عمل حالا برطبق قرار داد باشد چه ضرر دارد ملاحظه هم بفرمائید اداره گمرکات و اداره مالیه و اینجا هم کمیسیون مالیه و کمیسیون امور خارجه تصدیق کرده اند و یک

- اسامی رأی دهندگان: آقایان: شیخ الملک - حاج غلامحسین ملک - کازرونی - حکمت - ارکانی - حبیبی - عراقی - نجومی - ساکنیان - وهاب زاده - دربانی - احتشام زاده - حاج سید محمود - مفتی - فرمند - قاضی نوری - حسنعلی میرزا دولتشاهی - بشکدار ایزدی - موقر - ایلی نوری - عباس میرزا فرمانفرمایان - طالشخن - ضابطانی دیبا - همراز - میرزا یانس - محمد علی میرزا دولتشاهی - دکتر سنک - اسعد - آقا سید یعقوب - بیات - پالیزی - عبدالحمید خان دیبا - اقبال - محمد ضیائی - ارباب کبچرو - رهبری - امیر تیمور - آقا زاده - سبزواری - جلالی - محمد آخوند - نوخت - امیر دولتشاهی - لاریجانی - کاشانی - هزار جریبی - رفیم - آشتیانی - رحیم زاده - ملک زاده - فهیمی - حاج علی اکبر امین - دهستانی - باستانی - خراجوری - ناصری - مسعودی - موای - آقا سید حسین آقایان - عامری - مؤید احدی - دکتر عظیمیا - قوام - شریفی - کفائی - زوار - ذوالقدر

چیز بی ضرری است و فقط از برای تسهیل عملیات در رد کردن اجناس از سرحدات است

رئیس - آقایانی که با مدلول ماده واحده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[بقیه شور ثانی لایحه بانك فلاحتی]

رئیس - قانون راجع به تاسیس بانك فلاحتی شور دوم ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - حق العمل قرض هائی که برای مقصد فوق داده میشود از صدی چهار نباید تجاوز کند و منافع مزبور باید بصل سرمایه اختصاصی شعبه فلاحتی افزوده شود ، بانك فقط مجاز خواهد بود مخارجی که برای اداره کردن شعبه فلاحتی ضرورت دارد برداشت کند - مبلغی که بعنوان ذخیره احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی باید تخصیص داد نیز جزو مخارج اداری محسوب خواهد شد .

تبصره - در صورتی که برای مخارج مذکوره در فوق صدی چهار کافی نباشد بانك مجز است حق العمل را در صدی شش بالا ببرد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب:

آقا سید یعقوب - اگر نظر محترم کمیسیون وزارت اقتصاد ملی باشد در شور اول راجع بدین ماده یک عریضی بنده عرض کردم یک تذکراتی هم آقای یاسینی دادند . عریض بنده این بود که ما صحبت کردیم همینجوری که حق العمل را معین کردیم مخارج اداریش را هم معین کنیم اگر بتوانیم در خود قانون مخارج از برای این شعبه معین کنیم مثل اینکه راجع نه حق العمل را معین کردیم که صدی هشتاد و دو یعنی منتهی شد به صدی دو که مخارج حق الثبت را صدی دو قرار دادیم اگر همینجوری که حق العمل را معین کردیم صدی چهار باشد مخارج اداری آنرا هم معین کنیم دست دولت تا اندازه باز است یعنی در فشار نیست وزیر مسئول و برای دولت راه باز است که این اندازه تحمیل نشود آنوقت معین است که صدی دو

اجازه دارد مخارج اداری بکند و پیش از صدی دو نمیتواند تجاوز نماید . آقای وزیر فرمودند که معلوم است دولت ملاحظه قناعت در مخارج را خواهد کرد و از این مقدارها نخواهد گذشت ، صدی چهار . لکن بعد از اینکه این تبصره را زیاد کردیم بنده عقیده ام این است که این تبصره نباشد چرا برای اینکه ما صدی چهار را آمدم برای حق العمل قرار دادیم بعد گفتیم مخارج اداری را از همین صدی چهار باید بدهد و باید کاری هم بکند که از این صدی چهار یک زیادتی بیورد بر اصل سرمایه آنوقت یک تبصره هم بعد از این آوردیم این تبصره اسباب فشار بر خود وزیر مسئول در اینجا خواهد شد . وزیر میگوید صدی چهار من بیشتر در اینجا حق ندارم تجاوز بکنم اگر تبصره نباشد . بعد میگویند خیر شما تبصره دارید بنده عقیده ام این است که این تبصره اسباب زحمت شما می شود و بنده عقیده دارم این تبصره را برداریم و بعد که وارد عمل شدیم اگر دیدیم مخارج اداری از صدی چهار تجاوز کرد آنوقت بیاید تبصره پیشنهاد کنید و الا از حالا باینکه در نظر دارید در اینجا کمال اقتصاد بشود این راه باز کردن و تبصره نوشتن این نظر را تأمین نسکنند حالا از این جهت بنده پیشنهاد میکنم (این عریض بنده بود) که این ماده پنج بدون تبصره باشد بهمان ملاحظه که شما دارید و میتوانی که در عقبه واقع نشوید و در هجوم مستخدمین که بعد از این تسهیلات در کل بر جامعه است و جزو حکومت می خواهند بشوند هم از این جهت راحت هستید هم بعد اگر دیدید که خیر ما از صدی چهار نمیتوانیم شعبه فلاحتی را اداره کنیم صدی دو علاوه میکنیم این است عقیده بنده .

کفیل وزارت اقتصاد ملی (آقای فروغی) - عرض کنم اینجا این ملاحظات را کردیم و این احتیاط لازم دانستیم و البته امیدواریم که محتاج نشوید ملاحظه فرمودید دولت نظرش این بوده است که حتی الامکان در این قرضهائی که بار بار فلاحتی داده میشود از طرف بانك ملی تحمیل بر مردم و استقراض کنندگان زیاد

وارد نشود و بهمین دلیل ماضی چهار پیش نهاد کردیم در صورتی که در این مملکت هیچ سابقه ندارد که صدی چهار قرض بدهند (صحیح است) ولیکن بعد آمدیم ملاحظه بفرمائید بانک بانکی امروز یا صد هزار تومان دولت باوسر مایه داده یا صد هزار تومان امسال سرمایه دارد اگر تمام این مبلغ با استقرار برود منافع تمام امسال بیست هزار تومان می شود و این بیست هزار تومان یک مقدارش هم باید جزو مخارج ذخیره برود باقیش هم صرف مصارف اداری بشود حالا ملاحظه بفرمائید این بیست هزار تومان در سال ماهی هزار و پانصد تومان می شود ماهی هزار و پانصد تومان بانک بانکی که در طهران و در ولایات هم باید شعبه داشته باشد آیا خرج ندارد آیا زیاد است اینجا بنظر آمد که واقعاً اگر حسن جریان امور بانک مستلزم این شد که قدری بیشتر خرج کند و این صد هزار تومان کفایت نکند آنوقت چه باید کرد؟ باز هم یک حقی معین کردیم که صدی شش بشود. اما اینکه می فرمایند البته راست است مجلس شورای ملی همیشه دایر است و همیشه هم از برای دولت راه باز است که بیاید و بگوید که ما دیدیم صدی چهار کم است و صدی شش باید باشد ولی تصدیق بفرمائید که هر روز آمدن و مزاحم مجلس شدن این هم چندان تعریف ندارد. بنده تمنی دارم از آقایان که اعتماد بفرمائید به بانک ملی و امنای دولت در این موضوع و این را تصویب بفرمائید که اگر ما دوباره محتاج شدیم اینجا مزاحم مجلس شورای ملی نشویم جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - کافی است؟

(اظهار شد - بلی)

رئیس - رأی میگیریم بماده پنجم موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم - قرضهائی که برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد و بر طبق قرار داد هائیکه بین بانک و

پول خودش را وصول کند.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بلی این مسئله محل توجه بود مذاکره هم شد گمان میکنم در شور اول هم مذاکره کردیم این جا. البته خیلی خوب بود اگر ما میتوانستیم این مسئله ثبت اسناد را قید قرار ندهیم بهمین دلالتی که فرمودند ولی هر چه فکر کردیم دیدیم که چاره نداریم جز اینکه اینکار را بکنیم زیرا متأسفانه معاملات در مملکت ما سوابقی دارد که بکلی سلب اطمینان میکند از اشخاص و کسانی که می خواهند معامله کنند نسبت با املاک (املاکی که ثبت نشده) بنده خودم چندین سال در عدلیه بوده ام و قضایا را دیده ام آقایان هم همه اطلاع دارند هیچ ملکیتی (اگر ثبت نشده باشد) نیست که بهیچوجه من الوجوه بتوان بآن اطمینان داشت که مال صاحبش باشد و اینکه می فرمائید معتبر باشد چطور و از کجا معلوم کنیم که این معامله معتبر باشد. بچه وسیله دولت یا شخص یا امضاء بانک و اعضاء آن بفهمند و از کجا معین کنند که بنده که آمده ام و این ملک را گرو گذاشته ام این ملک مال من است غیر از ثبت اسناد بچه وسیله میشود فهمید هیچ وسیله غیر از این نیست. راست است البته امروزه ثبت اسناد در تمام مملکت نیست ولیکن خواهد بود همیشه که نباید اینطور باشد. الان وزارت عدلیه جداً مشغول است و دارد تأسیس میکند اداره ثبت اسناد را در ولایات ولیکن البته با کمال تأسف عرض میکنم تا یک مدتی آن تقاطیکه ثبت اسناد ندارند از این فایده محروم خواهند بود اما چه فایده از آنطرف هم ما نمی توانیم سرمایه بانک را در خطر بیندازیم. سرمایه بانک را حفظ کنیم و بخطر نیندازیم بهتر از این است که یک اشخاصی بیایند و می متصل املاکی را که مال خودشان نیست در بانک گرو بگذارند و پول بگیرند بعد در سر هوعدهش بانک به بیند که یا صلح به بچه اش کرده یا صلح بپدرش کرده یا صلح بزانش کرده در هر صورت یک شخص ثالثی از این میان پیدا میشود و از آن طرف هم در ظرف یک مدت قلیلی سرمایه بانک از بین

میرود پس بهتر این است که ما عجله این را ترجیح بدهیم و این را بر خودمان نخر کنیم که بکعده عجله محروم بمانند از فوائد استقرار از بانک فلاحی تا اینکه اصل بانک فلاحی از بین برود. بعلاوه این را هم توجه خواهند فرمود که حتم نیست اشخاصی که در یک محل ملک دارند و میخواهند استقرار کنند خودشان هم در آن محل ساکن باشند یعنی اشخاصی که میخواهند استقرار کنند همه ملکشان در یک جا باشد مثلاً در آن جایی که ثبت اسناد ندارد. خیر. بسا هست که بنده در مازندران ساکن هستم و میخواهم استقرار کنم اما در یک محل غیر مازندران مثلاً در طهران یا نقطه دیگری که ثبت اسناد هست ملک دارم میتوانم آنرا وثیقه بدهم و حتم هم نیست که امسال آن ملک را که می خواهم آید کنم آن ملک را وثیقه قرار بدهم املاک دیگری که دارم و به ثبت رسیده است وثیقه قرض قرار میدهم (صحیح است) در هر صورت چاره غیر از این نداریم. میخواستیم این کار را نکنیم ولی دیدیم ممکن نیست.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که بنده در شور اول هم این عرض را کرده ام حالا هم باز از فرمایشات آقای وزیر قانع نشده بعلمت اینکه توجه بفرمائید بعرضم. ما در ماده چهارم این قانون استقرار از بانک را مخصوصاً برای چند موضوع در نظر گرفتیم. یکی قنوانی که در اثر حوادثی بآبر شده پول بقرض او بدهند یکی هم کسی که بخواهد قنانات جدیدی احداث کند. ثانیاً برای اشخاصیکه یک محصولاتی که جزو صادرات مملکت است آن محصولات را زیاد کنند باز بانک بقرض آنها میدهد. تصدیق میفرمائید که کرمان یکی از ایالات بزرگ ایران است تمام زراعتش در محوطه شهر و بلوکات عمده اش باقنوات است و رودخانه فقط در گرمسیر است مثل جیرفت و بلوچستان و آنجاها ولی باقی جاها اغلب باقنوات است. حوادث آنجاها زیاد است و قنوات خراب میشود و مبلغ زیادی خرج آنها لازم میشود و ثانی

براین محصولاتی که در نظر گرفتیم که جزو صادرات هستند کرمان تقریباً همه آنها را دارد: پنبه، نیل، چغندر، ربنا، ابریشم، پسته، بادام و تنباکو همه از محصولات کرمان است که جزو صادرات است آنوقت متأسفانه اداره ثبت اسناد که در همه جای ایران تشکیل شده است در ایالت کرمان تشکیل نشده است. در سال گذشته در بودجه ثبت اسناد بودجه ثبت اسناد کرمان گذشت اما اداره ثبت اسناد تشکیل نشد در امسال هم که هنوز تقریباً صد و چهل هزار تومان از بودجه ثبت اسناد باقی است هنوز تشکیلات ثبت اسناد داده نشده است مطابق این بودجه در کرمان هم تشکیل داده نشده است پس با این دو مقدمه که عرض کرده راجع بقنوات و راجع بصادرات کرمان از همدجا مستحق تر است باینکه مردمش هم تصدیق می فرمائید که فقیرترین تمام مردم ایرانند و آنوقت باین لایحه تمام آنها بکلی محروم می ماند پس نه قنواتشان آباد شده است و نه صادرات توانسته ایم خدمت کنیم اما اینکه می فرمائید که راه حلی پیدا نکردیم برای اینکه چه بکنیم. عرض کنم بنده در نظر دارم در شور اول هم عرض کردم منحصر نکنید به املاک ثبت شده لکن اگر چنانچه اینطور بویسیم هر جا اداره ثبت هست باید البته ملک ثبت شده باشد معامله هم به ثبت برسد اما در جاهائی که نیست اگر مالکیت شخص بین مالک و رئیس بانک محرز شد و رئیس بانک اشکالی نکرد و فهمید این ملک مال بنده است و قبول کرد چه اشکال دارد این را عرض کرده منتهی آقای مخبر در آن جلسه يك جواب غیر صحیحی به بنده دادند یعنی بنده عرض کردم اگر کسی جواهر آورد و گرو گذارد چرا پول برایش ندهند. ایشان جواب دادند که بانک صرافی و استقراضی نیست و حال آنکه قصد بنده این جور نبود. ملک بنده را سیل خراب کرده جواهری می گذارم و از آن بانک پول میگیرم. پول میگیرم برای آبادی همین ملک نه برای کار دیگر. این است که بنده پیشنهادی کرده ام که بعد از جمله اینکه نوشته شده است

که: قرضهائیکه برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد یا املاکی که مالکیت مدیون در نزد اولیای بانک مسدود و محرز باشد و یا اشیاء قیمتی وثیقه در بانک بگذارد در این صورت چه اشکالی دارد. رفع این احتیاجات مردم هم میشود و این اشکالات هم از بین میرود

کفیل وزارت اقتصاد ملی - متأسفانه آقا توجه فرمودند بعراض من. اشکال اینست: رئیس بانک چطور احراز بکند که این ملک واقعاً مال این شخص است که می آید گرو بگذارد. ملک تا دیشب مال من بود همه مردم هم عقیده داشتند مال من است و واقعاً هم مال من بود دیشب يك قبالة درست کرده باسم بسرم و امروز می آیم و امروز در بانک و این واقعه که دیشب واقع شده نوبی خانه خودم و يك ملائمی را آورده ام آنجا و این قبالة را سجل کرده است رئیس بانک که غیب نمیداند که دیشب چه معامله شده. اشکال در اینجا است. عیب کار در خود ما است ما مردمانی هستیم که اینطور سوابق را در عملیات خودمان گذاشته ایم آنوقت مجبور میشویم که این قسم احتیاطها را بکنیم عرض کردم اینطور هم آقا نگران نباشند امروز ثبت اسناد را کرمان ندارد فردا خواهد داشت عجله نکنید فرض فرمائید که این بانک فلاحی امروز تأسیس نمیشد شش ماه دیگر تأسیس میشود چه میشود؟ اگر اینطور میشود و اگر این لایحه را ما امروز می آوریم و در مجلس آینده می آوریم چه میشود؟ حالا هم همانطور بشود. بعلاوه بمحض اینکه این بانک فلاحی تأسیس شد مطمئن باشید که تلگرافات از کرمان خروار خروار میریزد بطهران که امان و دخیل ثبت اسناد در کرمان نیست و ما از فوائد بانک فلاحی محروم هستیم و از دولت نمی داریم که ثبت اسناد را در اینجا دائر بکند بالاخره خود این يك وسیله میشود که ثبت اسناد در آنجا دائر شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک
ملک مدنی - بنده عرضی ندارم
عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ:
مقام منبع ریاست عالیہ دامت عظمه.
پیشنهاد میکنم که کلمه ملک ثبت شده اعم از ملک مزروعی یا خانه بامستقل یا جواهر بمانده پنجم اضافه شود.
کفیل وزارت اقتصاد ملی - دو قسمت ...
رئیس - اجازه می فرمائید توضیح بدهند؟
کفیل وزارت اقتصاد ملی - بله، بله. بفرمائید
اورنگ - بنده به توضیحات آقای وزیر محترم اقتصاد ملی در يك قسمتش کاملاً همراهم و آن این است که صرف اینکه من مالک يك ملکی میباشم بانک نمیتواند اطمینان حاصل کرده باشد که این ملک من است و من میتوانم استقراضی کرده باشم. بجهت اینکه معایبی را که اشاره فرمودند برای غالب املاک و غالب مستغلات و خانه های ما موجود است از مدتی تا بنظر طرف و ما هم تقریباً عادت کرده ایم بشوخی و استس را هم دبه می گذاریم و بشوخی يك دبه در می آوریم برای هر خریداری بهر صورت حالا این عادت در ما هست و اداره ثبت اسناد حالا آمده است و این عادت را می خواهد مرتفع کرده باشد هر قدر بما نصیحت کردند که این عادت خوب عادت نیست ما شوخی فرض کردیم و ثبت اسناد آمده است برای اینکه این شوخی را رفع کرده باشد بهر صورت در این قسمت کاملاً وزیر محترم اقتصاد ملی صحیح فرمودند راست است نمیشود اطمینان کرد اما حالا يك وجه جمعی هم ممکن است فرض کنیم که هم آن نظر دولت تأمین بشود و هم مردم يك قدری دست و بال شان باز باشد برای خاطر استفاده کردن شان غرض يك حایقی است با آبادی زمین این اصل اصلی است. این غرض را اطرافش را اطراف نظرها را باید جمع کرد که باصل مقصود نزدیکتر باشیم و آن این است که در غالب

امکنه ممکن است فرضاً خانه بنده ثبت شده اما من آدمی هستم در گروس ملک دارم و ملک گروس من بواسطه تشکیل نشدن ثبت اسناد در گروس ثبت نشده اما خانه ام در شهر گروس یاد شهر طهران ثبت شده غالب املاک مردم در دهات واقع است. صاحبان آنها الان در طهرانند دارای خانه هستند خانه و مستغلاتشان در این جا ثبت شده اما ملک شان در طهران نیست در کرمان در دهات کرمان در رفسنجان یا در جای دیگر ممالک ایران واقع است و آن جاها هنوز ثبت اسناد نرفته یا اگر رفته هنوز آن املاک ثبت نشده است. حالا این آمد ملکش در نتیجه یکی از این سخن هائی که آقای مؤید احمدی فرمودند خراب شده و بران شده می آید در يك فلاحی چون این ماده اسمی نبرده است از نوع ملک همینقدر بطور اعم ذکر شده است ملک. من غرضم این است که در این بانک بتواند خانه ثبت شده در طهران را بگذارد گرو و از این وجه از این راه استقراض کند بشرط اینکه بانک مطمئن بشود با همان مقدمه ای که ثبت کنند این وجه را برای آبادی آن ملک میخواهد صرف کند یا این که مستغل دارد و از مستغل خودش میخواهد وثیقه بگذارد یا هر دو را ندارد فرض کنیم خانه ثبت شده ندارد ملکش هم ثبت شده نیست و از این هر دو محروم است می آید بانک را متقاعد میکند جواهر میگذارد بطوری که بانک متقاعد شود که وجوهی را آید در مقابل این جواهر استقراض میکند صرف آبادی آن ملکی میشود که قنداش بواسطه سیل از بین رفته است در صورتیکه بانک مطمئن بشود باز جواب میدهد که چون ماده قانون این است که باید ملک مزروعی وثیقه بگذاری و ملک مزروعی که نداری و نیگذاری جواهرات را هم بوثیقه قبول نمیکیم این جور نمی شود جواهر، خانه ثبت شده و مستغل ثبت شده می شود وثیقه قرار داده شود برای گرفتن پول که صرف آبادی املاک بشود این طور وجه حل بنظر بنده رسیده است و روی این نظر هم این پیشنهاد را عرض کرده ام و من اعتقادم این است

که آقای وزیر محترم اقتصاد ملی موافقت فرمایند که با این پیشنهاد موافقت شود و این عمل يك صورت خوشتری و خوشتری به خودش گرفته باشد.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در قسمت عمده این پیشنهاد بنده موافقت هستم زیرا که منظور هم همین بوده است از لفظ ملك هم منظور این بوده است و لفظ ملك را به آن معنی که ما در نظر گرفتیم به آن معنی متعارف نیست حالا اگر لازم میدانید اراضی و مستغلات را هم توضیح بدهد بنده مخالفتی ندارم. اما نسبت بجواهرات بنده نمیتوانم بنده معنای ندارم. اما نسبت بجواهرات بنده نمیتوانم قبول کنم چون بانك آنوقت باید توسعه پیدا کند و این میزانی که ما مخارج برای او معین میکنیم و اینطور صرفه جوئی که آقایان نمایندگان در آن منظور دارند و این رعایتی را که میخواهیم از مردم بکنیم که حق حاصل را از صدی چهار بیشتر و صدی شش نگیریم اینها سبب می شود که ما نمیتوانیم جواهرات را قبول کنیم برای این که آنوقت يك دستگاهی مخصوصی می خواهد و لازم دارد که این کار را انجام بدهد این لفظ جواهر را از پیشنهاد حذف فرمائید باقی آنرا بنده موافقم و گمان میکنم اگر اموال غیر منقوله مرقوم فرمائید شامل همه اینها می شود یا هر عبارت که بشود جای این گذاشت بنده موافقم.

اورنگ - بنده با حذف لفظ جواهر از آخر پیشنهاد موافقت میکنم.

آقا سید یعقوب - غیر منقول بهتر است.

کفیل اقتصاد ملی - بله عبارت اینطور رسالت نوشته

شود اموال غیر منقوله

یاسائی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

یاسائی - بنده عرض میکنم اینکه آقایان میفرمایند در اطراف کلمه املاك گمان میکنم آنقدر لزوم ندارد در قانون مدنی ما هم هست مقصود از املاك اراضی است اراضی مزروعی و مستغلات است و هر نوع ملک است که لغت ملك بر آن اطلاق شود و این يك کلمه عربی

است و الان فارسی شده است که همه خوب میفهمند و اینقدر توضیحات لازم ندارد و بنده خیال میکنم اگر باطلاق بگذارید بهتر است.

رئیس - مخیر نیست که بنده معتقد کمسیون را از او سؤال کنم و شق جامع بنظر من اینطور می آید که اگر آقای وزیر امور خارجه قبول کنند که معنای ملك بمعنی مستغل هم هست مقصود حاصل است و بین تکلف هم دیگر نمی آید.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - این را بنده عرض کردم که منظور همین است همانطور که آقا توضیح دادند قانونا وقتی که ملک گفته میشود اسم از هر ملک غیر منقول است

اورنگ - آقا استرداد میکنم

رئیس - منظور آقای کیا هم تا همین شد منظور همین بود

کیانوری - آن قسمتی را که آقای وزیر فرمودند که اموال منقول و غیر منقول باشد بهتر است.

آقا سید یعقوب - اینطور نیست فقط گفتند اموال غیر منقوله

رئیس - آقا مباحثه با هم فرمائید. آقای مؤید احمدی هم همین نظر را داشتند تا همین شد. رأی میکنیم بماده ششم موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - مبلغ قرض از پنجاه درصد قیمتی که خبره های بانك برای ملك معین می نمایند نباید تجاوز نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر محترم را توجه میدهم بيك مقصودی و در مقام عمل باو ملاحظه فرمائید در موقع اجرای این قانون حسن ظن میشود داشته باشیم اجرای قانون همیشه مشوب است به سوء ظن باین معنی که يك قانونی يك لایحه را دولت با يك حسن نیت پیشنهاد به مجلس میکند و مجلس هم با يك حسن عقیده که دارد رأی میدهد بعد میرود بدست دولت و دولت میدهد بدست مأمورین خودش و در مقام عمل همه میدانیم که

چه اشکالاتی درش ایجاد میشود بقدری آن ثابت و مامورین اجرا برای آن اشکال تراشی میکنند که حقیقه آن کسی که میخواهد متوسل بقانون بشود باید برود و شاهد بیاورد که خرم نداشت. در اینجا حقیقه دولت از تشکیل بانك فلاحتی نظرش يك نظر ارفق و تقویت کردن روح فلاح و زراعت در مملکت است و همینطور که حق العمل را کم کرده است و هکذا تمام این موادی که اینجا هست تمام این مواد حقیقه این روح ارفق را متوجه بوده است اما اینجا که میرسد يك مرتبه جلویش را میگیرد چطور؟ میگوید این ملک است که میخواهید وثیقه بگذارید اگر صد تومان قیمت داشته باشد پنجاه تومان میدهیم و قیمتش را هم باید خبره بانك بکند آن نظر ارفقی که منظور است در این ماده محدود میشود بواسطه اینکه اولاً باید صد تومان قیمت داشته باشد و پنجاه تومان قرض داده میشود بی هم قیمت میکنند؟ خبره بانك پس شما يك اختیاری هم نسبت بقرض گیرنده بدهید شما بکلی ضعیق و مقید نکنید من قبول دارم بنده کاملاً نظر وزارت اقتصاد ملی را تصدیق دارم که خیلی و کاملاً در این جا باید احتیاط کاری بکنند که پول بانك از بین نرود ولی باندازه که آن کسی هم که میخواهد استفاده کند اینقدر زنجیر و قید برای او ایجاد نشود شما میفرمائید باید خبره بانك تصدیق و تقویم کند بنده عرض میکنم

در صورتیکه همه اختیارات در دست او باشد ما حقیقه آنقدر باو اطمینان نداریم که همه اش با حسن ظن معتقد باشیم که این خبره همه اش واقعیات را بیان میکنند پس در این جا عقیده بنده این است که این جور بکنیم که اگر اختلاف واقع شد خبره بانك اگر قیمت کرد صد تومان قرض گیرنده که خودش خبره و مصدق دارد دو بیست تومان قیمت کرد در صورت اختلاف يك حقیقی به آن قرض گیرنده بدهند که وقتی که خبره يك قیمتی را معین میکند بتواند به آن قیمت کردن خبره بانك اعتراض کند چرا؟ برای این که این جا معین کردید که از صد تومان پنجاه تومان میدهد و در این موارد غالباً آن

عضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود.

پیشنهاد آقای کیا

بنده ماده هفت را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

مبلغ قرض دو نلک قیمتی که خبره های بانك می آید

رئیس - آقای کیا

کیانوری - همانطور که آقای وزیر محترم فرمودند اختیارات قیمت به بانك داده شده و برای مالک هم اختیاراتی گذاشته نشده است بانك هم از باب احتیاط قیمت را خبره خودش میکند و بانك ملک را که زیاده از قیمتش قیمت نمیکند اما برخلاف این سایر بانك ها هر قیمتی که میشود دو نلک پول میدهند اینجا نصف کرده اند بنده میخواستم تقاضا کنم که هر قیمتی که میشود با اینکه با احتیاط قیمت میکنند چه ضرر دارد که دو نلک پول داده شود باین جهت خواستم تقاضا کنم که این عبارت پنجاه در صد تغییر داده شود و دو نلک از قیمتی را که خبره بانك معین میکنند نوشته شود.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده نمی میکنم که این پیشنهاد را نفرمایند برای خاطر اینکه فکر هر دو طرف را باید کرد همانطوری که من نمیتوانم اطمینان بکنم که يك خیره نباشد که سخت گیر باشد و مالك صدتومانی را پنجاه تومان قیمت کند شاید يك خیره باشد که مالك را درست قیمت کند آنوقت اینجا اگر هفتاد و پنج درصد یعنی دوثلث اگر معین کنیم زیاد است و باید احتیاط را از دست نداد و عرض کردم که بانک را از نظر تجارتي باید ملاحظه کرد فقط و فقط يك بنك مؤسسه تجارتي است و نباید بگوئیم که دولت يك سرمایه داده است باین مؤسسه و این يك مؤسسه دولتی است و دولت هم قوت دارد و بیش از دولت باید مردم را رعایت کرد این ملاحظه را بفرمائید که يك بانک تجارتي است و سرمایه باو میدهم که بانک تأسیس کند و تجارت کند آنوقت باید چه ملاحظاتی را کرد و چه احتیاطی را کرد همانطور باید ملاحظه کرد خود بانک مدیر بانک که این لایحه را در تحت نظر او ما تنظیم کردیم صدی پنجاه را هم او زیاد میداند او که نظری ندارد نظریات صراحي و بانکی و تجارتي دارد باین ملاحظه او میگفت صدی پنجاه زیاد است و منظورش صدی چهل بود و ما صدی پنجاه کردیم و تصور میکنم از این بالاتر دیگر نشود قبول کرد.

عراقی - استرداد کنید.

کیانوری - استرداد میکنم.

رئیس - رأی میگیریم به ماده هفتم موافقین قیام فرمایند. (عده برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - نسبت به قرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود ولی مدیونین در هر موقع میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزاً کلاً بپردازند در اینصورت آنچه از اصل که قبلاً تأدیه

میشود برای مدت باقیمانده از تأدیه منافع معین در قرار داد معاف خواهد بود

رئیس - موقعی که ما به ماده هفت رأی گرفتیم معلوم شد که عده بحد نصاب نبوده است باید دو باره به ماده هفت رأی بگیریم موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم مطرح است. آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - در این ماده نوشته است نسبت به قرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد مدیونین میتوانند دین خود را جزاً بپردازند. بنده عقیده ام این است که مطلق قرضها باشد اگر یکساله هم باشد و مدیونین بخواهند دین خودشان را بپردازند دولت مکلف است که قبول کند بجهت این که این عمل بر نفع دولت است در واقع وقتی صاحب پول رفیع احتیاجش را کرد و قناتش جاری شد و استفاده از پول کرد بخواد پول را بدهد مانعی ندارد همان سال اول هم بتواند پول را بدهد و دولت هم باید قبول کند.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - مقصود هم همین است اگر عبارت وافی نیست ممکن است عبارتی پیشنهاد بفرمائید که برساند والا مقصود همین است که پرداخت وجه جزاً یا کلاً در هر موقع با اختیار مدیون است این منظور است. (یک نفر از نمایندگان - این عبارت وافی نیست) گمان میکنم لفظ (ولی) را اگر بردارید درست میشود. که نسبت به قرضهائی که مدت آن بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود. باز سر سطر. مدیونین میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزاً یا کلاً بپردازند

فیروز آبادی - اگر ولی نباشد شامل بعد میشود.

رئیس - در موقع پیشنهادتان صحبت کنید. آقای فهیمی

فهیمی - گمان میکنم چیزی حذف شده است در طبع

چون پیشنهاد را بنده دادم. این جا نوشته است مدیونین در موقع میتوانند این جا (هر) افتاده است. باید اینطور باشد که مدیونین در هر موقع میتوانند دین خود را جزاً یا کلاً بپردازند باید این کلمه را اضافه کرد در طبع افتاده است بنده به آقای شخیر هم تذکر دادم.

رئیس - خود آقای پیشنهاد کنید کلمه (هر) را بگذارند. رأی میگیریم به ماده هشتم...

یاسائی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

یاسائی - عرض کنم عبارت را تفهیمیم نوشته است در هر موقع مدیونین میتوانند قبل از انقضاء مدت جزاً کلاً بپردازند مقصود چیست؟ جزاً یا کلاً - جزاً و کلاً بالاخره این عبارت معنی ندارد بنده خواستم تصریح شود که چه چیز حذف شده است.

میرزا یانس (بجای مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) - در این عبارت اول باید (ولی) را زد و سر سطر شروع کرد بعد از مدیونین هم (هر) اضافه کرد که بشود (که مدیونین در هر موقع میتوانند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزاً یا کلاً) (یاسائی - یانس باید اضافه شود) آنوقت عبارت درست میشود

رئیس - شماره آقای میرزا یانس اخیراً بجای مخبر کمیسیون انتخاب کرده اند؟

میرزا یانس - بلی موقتاً تا آقای مخبر تشریف ندارند.

رئیس - رأی میگیریم به ماده هشتم با اضافه کلمه (هر) قبل از موقع و (یا) بین کلمه جزاً و کلاً و حذف (ولی) موافقین قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - مدت قرض از ده سال نباید تجاوز کند ولی رئیس بانک میتواند با اجازه شورای اداری مدت بیشتری معین نماید و این فقط در صورتی است که برای حصول مقصودی که از استقراض بر طبق ماده چهار در نظر گرفته شده بیش از ده سال مدت لازم باشد

رئیس - مخالفی نیست. رأی میگیریم بماده نهم موافقین قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت میشود:

ماده ۱۰ - در تمام قرار داد هائی که بانک بر طبق این قانون منعقد می نماید باید مساعی ذیل تصریح شود
۱ - منظور از استقراض که باید بمقررات ماده چهار تطبیق نماید.

۲ - مبلغ و مدت قرض

۳ - مبلغی که استقراض کننده باید هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد.

تبصره - سواد مصدق ورقه مالکیت به ضمیمه یا نسخه از قرار داد باید در بانک ضبط شود.

رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - عرض میشود بنده در کمیسیون اقتصادی که بودم این مطلب را عرض کرده که در ربع صدی چهار مخالف بری اینکه در يك ملکیتی که هیچ جا باینطور پول قرض نمیدهند ما اجازه بدهیم بیانات که باین ترتیب پول بمرده قرض بدهند بنده مخالف هشتم برای اینکه در سایر جاها فرع خیلی بیش از اینها است آنوقت در يك محل محدودی با يك سرمایه خیلی محدود اینطور قرض دادن که با صدی چهار معامله بکنند خیلی بی تناسب است اولاً باید معاملات این بانک هم در حدود معاملاتی باشد که خود بانک ملی میکنند ولی خوب دولت موافق نکرد و آقایان عقیده داشتند که این ترتیب باشد ولی چیزی را که بنده میخواستم حالا عرض کنم اینست که فرضاً در حدود ماده چهار مستقرض تعهداتی کرد و مقرراتی بین بانک فلاحتی و آن کسی که تقاضای قرض میکند مقدر شد و امضاء شد برای کارهای فلاحتی همه اینها نوشته شد بعد آن قرض کننده عمل نکرد ساکنسیونش چه چیز است آمده ابد فقط پول خزانه پول عمومی را به يك اشخاصی داده اید باریج صدی چهار اگر به آن قرار داد عمل

نکردند چه میشود؟ این قانون سانکسیون ندارد و بانک فلاحتی فقط پول را پس میگیرد بنده ملتفت شده . اگر سانکسیون در يك ماده دیگری هست بنده نخواهد نام فرمایند و الا در این ماده که راجع بمقررات بین بانک و قرض کننده است همچو چیزی ندارد و نتیجه این میشود که بانک اشخاصی برای توسعه فلاحت يك قرض نمائی میکنند باصداقی چهار و بعد میروند يك کارهای دیگری میکنند و اگر هم صد دوازده باشد همه همین معاملات را می کنند .

کفیل وزارت اقتصاد ملی - توجه بفرمائید در ماده بعد (ماده یازده) در آنجا يك ملاحظاتی در این باب شده و گمان میکنم کافی باشد (صحیح است)

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده قرائت میشود :

پیشنهاد میکنم از ماده ۱۰ در جزء سوه کلمه و قسط استهلاك حذف شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - توجه بفرمائید . چون تفاوت پیدا میشود بین این جزء و ماده ۸ ، ماده هشت این بود که اگر استهلاك شد میتواند استهلاك بدهد یعنی شخصی که قرض کننده است میتواند بطور استهلاك يك چیزی بدهد . در این ماده ده نوشته که ملزم است بدهد و بنده با اینکه این مسئله اختیاری است و در اینجا الزامی میکند معتقدم که مقتضی نیست و عقیده ندارم که الزامی بکنند چون خود ماده مستلزم امور الزامی نبود و در این ماده ده سه جزئی الزامی شده و آن چیزی که در آن ماده قبل الزامی نبود حالا در این جا الزامی شده این است پیشنهاد کرده ام جمله قسط استهلاك حذف شود باقی چیزها خوب است

کفیل وزارت اقتصاد ملی - ملاحظه بفرمائید . در ماده نوشته : مبلغی که از استقراض کننده باید هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد . اگر در قرارداد

قسط استهلاك هست که باید بدهد و اگر هم که نیست . دیگر بنده تصور نمیکنم از این ماده الزامی مستفاد شود

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را ...
آقا سید یعقوب - استرداد میکنم
رئیس - رأی میگیریم بماده ده آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده یازده قرائت میشود .
ماده ۱۱ - در قرارداد استقراض که بین بانک و استقراض کننده منعقد میشود تعهدات ذیل از طرف استقراض کننده باید تصریح شود

الف - هرگاه در موعد معین مبلغی که باید بعنوان منافع سپانند یا قسط استهلاك تادیه نماید بپردازد بانک حق دارد بمدیون اخطار نماید که اگر در ظرف یکماه منافع یا قسط مقرر پرداخته نشد دین مؤجل احوال شده و کلیه وجه استقراض و منافع فوراً قابل استرداد میشود

و در این صورت چنانچه در ظرف شش ماه از تساریخ وصول اخطارنامه سفارشی بانک مدیون کلیه دین خود را نپرداخت بانک از طرف مالک وکالت دارد ملک یا قسمتی از آنرا که موضوع وثیقه است بطور مزایده بفروش رسانده مطابق مقررات قانونی طلب خود را استیفاء نماید .

ب - اگر در انقضاء موعد سرمایه استقراضی یا قسمتی از آن یا هر نوع بدهی خود را که ناشی از استقراضی است تادیه نکند چنانچه در ظرف یکماه از تاریخ دریافت اخطار نامه سفارشی بانک دین خود را ادا نماید بانک وکالت دارد معادل طلب خود از ملک مورد وثیقه بطور مزایده بفروش برساند .

ج - تمام مخارج ناشی از تأخیر در پرداخت دین و یا از فروش املاک بعهده استقراض کننده خواهد بود . بابت مخارج مذکوره و بابت اصل سرمایه و یا هر دینی که در نتیجه استقراض بعهده استقراض کننده باشد بانک در استیفاءی طلب خود بر سایر طلبکاران که

وثیقه مخصوصی ندارد (بانکنای دولت نسبت به دریافت عوارض و مالیاتها) حق تقدم خواهد داشت . د - هرگاه قیمت ملک موضوع وثیقه در طی مدت استقراضی سی در صد تنزل نماید بانک حق خواهد داشت وثیقه دیگری از سایر املاک استقراض کننده تقاضا کند و هرگاه استقراض کننده مالک املاک دیگری باشد بانک حق خواهد داشت هر نوع وثیقه دیگری بخواهد و در صورت امتناع استقراض کننده و ب عدم دسترسی بوثیقه دیگر بانک می تواند مبلغی از وجه استقراضی را که در مقابل آن وثیقه موجود نیست مطالبه نماید و بیش از سه ماه برای پرداخت مهلت ندارد . تقویم خیره های بانک سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است .

ه - هرگاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراضی اعلام شده مصرف نشده باشد قرارداد استقراضی ضعیف و لغو میشود و بانک بوسیله مراجعه سفارشی تادیه کل مبلغ بدهی را از مدیون مطالبه نموده و در صورتیکه مشارالیه در ظرف شش ماه دین خود را ادا نماید بانک بفروش ملکی که بعنوان وثیقه در دست دارد اقدام خواهد نمود در مورد این فقره حق العمل از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانک از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد .

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا يك ماده مفصلی است هرچه بنده مطالعه میکنم می بینم دست دولت هم بیش از این نمیتواند بسته باشد . چاره هم ندارد از آنطرف می خواهد شعبه بانک فلاحتی تأسیس کند از طرفی هم حالات ما چنانچه آقای اورنگ اظهار کردند مسئله دبه و فلان در آوردن مردم است و دولت چه کار کند چاره ندارد . این ترتیبات نیست تمام این مقدمات را بنده قبول دارم الا دوجایش را که می خواهم بعرض آقای وزیر برسانم . یکی در همین ماده جزء پنجم است که آقای یاسائی فرمودند که مجازاتی برای قرض کننده معین نکرده اند مگر دار و الامیازات خیلی زیاد است این جا نوشته اید و اگر استقراض کننده پول را بمصارف

آن چیزی که معین شده بود نرساند فلان . مگر شعبه بانک فلاحتی باید قضاوت بکند؛ اونمی تواند این کار را بکند . فرضاً رایوروت دادند که این آدم پول را خرج این کار نکرده خود آن شخص گفته کرده باید شعبه بانک فلاحتی قضاوت کند؛ این میشود آقا .

دکتر عظیمی - حکمیت میکند .

آقا سید یعقوب - این مسئله مسئله قضاوت است باید در آنجا يك محکمه تشکیل شود او بگوید مدعی نباید بگوید نماینده مدعی العموم شعبه فلاحتی می گوید و خودش محکمه قضاوت تشکیل میدهد؛ این يك چیزی است که در مقدمه قضاوت میدانم شما چه جور این را می توانید حل کنید بفرمائید که برای توضیح خیلی خوب است . مسئله دیگر که در شور و ن عرض کرده این است که شما شخص قاضی هستید . و در این جا آمده اید نوشته اید که تقویم خیره بانک سندیت و قطعیت دارد و غیر قابل اعتراض است بنده عقیده ندارم این جور بنویسید . اگر آمد و اختلافی پیدا شد و خیره بانک يك چیزی گفت خوب است قابل اعتراض باشد چرا این را قابل اعتراض ندانیم خیره بانک آمد و تقویم کرد بفلان اندازه من سه مالکم اعتراض میکنم میگوید بی انصافی شده نسبت بین قیمتی که شده شما اعتراض بیک ترتیبی به پذیرید در آن شورای اداری بانک که دارید مسئله مسئله قضاوتی است . این است که نسبت باین مسئله اگر توجه بفرمائید بهتر است . مطابق ماده که بر میگردد به حکمیت اگر آمد اعتراض کرد بر تقویم مقوم انوقت رجوع بحکمیت بدهید يك حکم بانک معین کند و یکی هم استقراض کننده و اختلاف را به حکمیت خانم بدهید و غیر قابل اعتراض قرار دادن از عدالت قدری دور است .

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در قسمت اول تصور میکنم ماده دوازده منظور آقا را تأمین کرده باشد بجهت اینکه اگر بگوئیم بانک قرض را بدهد و دیگر دنبال

این کار نباشد آن شخص استقراض کننده پول بگیرد و برود هر کاری میخواهد بکند ولو اینکه تعهدات خودش را ادا نکند بانک هیچ حرفی نداشته باشد این را گمان نمیکنم شما هم در نظر داشته باشید و مقصودتان این باشد اما اگر ما آمدم و بانک را ذبح کردیم در اینکه بانک نظری داشته باشد مثلاً شخصی قرضی کرد از بانک برای اینکه محصول ابریشم را توسعه بدهد این شخص ایشکار را گذارد و رفت يك کار دیگری نکرده، گردش میکند چاره این چه چیز است؟ این برای بانک همینطور بید باشد؛ چاره این است که اگر بانک متنت شد و باو اطلاع رسید (صحیح به غلط) که این طور واقع شده بید يك کاری بکنند اخطار میکنند بطرف مقبل که آقا شما تخلف کردید و بید پول ما را پس بدهید جریمه هم بدهید. البته او که فوراً پول را پس نمیدهد مگر اینکه يك آدمی باشد خیلی منصف و خیلی عاقل و واقعاً متوجه باشد و بداند که این جا يك خطائی شده و فائده ندارد و باید تحمل کرد والا در صد نود و نه طرف زیر بر نمیروند و خواهد گفت خیر تخلف نکرده ام. به بانک حق قصود نداده ایم حق مدعی شدن باو داده ایم

حالا بانک چه کند؟ آنوقت البته چیزیکه در همان ماده دوازده گذاشته شده است که هرگاه در حکمیت یا بانک محکوم شد باید خسارت بدهد در بده اش اجرا میشود البته بانک ملاحظه میکنند و بی جهت بيك راپورت بی ماخذ نمیآید گریبان مردم را بگیرد و بگوید شما تخلف کردی. زیرا میدانند طرف مقابل محاکمه خواهد شد. اگر محکوم شد خسارت باید بدهد. خلاصه تحقیقات خودش را کامل میکند آنوقت بطرف مقابل اخطار میکند که تو بوظایف خودت عمل نکردی. در این صورت گمان میکنم در این باب اعتراضی وارد نباشد و غیر از این هم چاره نداشتیم. اما در خصوص اینسکه میفرمائید چرا خبره بانک حق غیر قابل اعتراضی داشته باشد این هم تصور میکنم چاره ندارد. این را بنده عرض کرده ام توجه داشته باشید عرض کردم نظر نکنید به بانک مثل

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوازده قسمت «د» بطریق ذیل نوشته شود.

د - هرگاه در طی مدت استقراض قیمت ملك موضوع وثیقه بیست در صد از ضعف مبلغ استقراض تنزل نماید بانک حق خواهد داشت اضافه مبلغ قرضی را نقداً مطالبه و دریافت کند و یا آنکه وثیقه دیگری الی آخر

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - این موضوع چیزی بود که بنده در شور اول هم عرض کردم در ماده ۷ قید شده است که میزان استقراض از نصف قیمت ملك موضوع وثیقه تجاوز نکند پس حد اعلی را دولت معین کرده ولی لازم نیست که همه استقراض کنندگان حکماً این مبلغ را قرض کنند ممکن است کمتر از این قرض کرده باشند آنوقت بموجب این ماده نمیتوانند که صد سی از قیمت ملك تقویم شده تنزل کرد ولو

اینکه باقی مانده از ضعف مبلغ استقراض هم بیشتر باشد باید يك وثیقه دیگر بدهد و این بر خلاف منظور است در صورتیکه مقصود دولت از این ماده این بوده است که ولو اینکه از آن ضعف هم صدی سی تنزل بکند باز بانک وثیقه نخواهد خواست از اینکه تجاوز کرد وثیقه جدیدی نخواهد بنده نظرم این بود که مانعاً رازوی مبلغ استقراضی قرار دهیم باین معنی که اگر قیمت ملك از ضعف مبلغ استقراضی تنزل کرد آنوقت وثیقه دیگر بدهند مثلاً کسی ملكی دارد ده هزار تومان میارزد در مقابل سه هزار تومان قرض کرده است قیمت ملك صدی سی که تنزل کند میشود هفت هزار تومان هفت هزار تومان هنوز از ضعف سه هزار تومان بیشتر است و هیچ جهتی ندارد که يك وثیقه دیگری نخواهد. بنده نظرم این است که اگر قیمت ملك از ضعف مبلغ استقراض تنزل کند

آنها نه این طور که بعضی اینک صد تومان تنزل کرد يك وثیقه دیگر بدهد تا میزان صد بیست اگر تنزل کرد از ضعف مبلغ استقراض آنوقت بانک حق دارد وثیقه دیگری نخواهد مثلاً سه هزار تومان يك کسی قرض کرده است در مقابل ملك ده هزار تومانی اگر قیمت ملك از چهار هزار و شصت تومان که يك صد بیست کمتر از ضعف مبلغ استقراضی است تنزل کرد آنوقت يك وثیقه دیگری نخواهد و الا تا وقتی که ضعف مبلغ استقراض به يك مبلغ بیشتری تأمین میشود وثیقه کافی است. و تقصای وثیقه جدید بر خلاف مدلول ماده ۷ است که ذکر شده. این موضوع وقتی که در کمیسیون مطرح بود بنده فرصت نکرده شرفیاب شوم که خدمت آقایان عرض کنم بعد به آقای وزیر و مخبر مذاکره کرده خود آقای وزیر هم تصدیق فرمودند که نظر بنده مورد دارد و ظنیر موافقت کردند. حالا پیشنهاد کرده.

فروغی کنیل وزارت اقتصاد - بیست مرتبه دیگر بخوانند (بشرح فوق دو باره خوانده شد)

کنیل وزارت اقتصاد ملی - بنده اعتراضی ندارم.

آقای مخبر قبول بفرمایند بنده هم موافقت دارم

رئیس - عقیده مخبر چیست؟

میرزا یانس - حالا که دولت قبول فرمودند بنده هم قبول میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بماده دوازده با پیشنهاد آقای فهیمی که درات و مخبر توأماً قبول فرمودند موافقت قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۶- موقع جلسه بعد - ختم جلسه |

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است. لازمه است خاطر آقایان را متوجه کنم که وزارت اقتصاد يك قسمت کارهای بالنسبه زیادی دارند و در مقام این هستند که آماده کنند يك مقدارش آماده است و سرعت مجلس را می خواهند

طلوع .. چه وقت ؟

رئیس .. یکشنبه نهم شهریور سه ساعت قبل از ظهر
برای اینکه چهار ساعت قبل از ظهر میسر نیست
(مجلس یک ربع از ظهر گذشته ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

و قطع دارم که میل آقایان بانجام این منظور مساوی با
بنده یا بیشتر از بنده است (صحیح است) بنا بر این اگر
موافقت فرمائید جلسه را یکشنبه (یک قدری جلوتر)
ببندازیم (صحیح است) اگر حوائج وزارت اقتصاد بیشتر
بود جلسات را هر قدر که مناسب بود قرار میدهیم.

www.iran-archive.com

قانون

اجازه حمل سی هزار قران مسكوك ایران سالیانه به چخانسور

ماده واحده - برای پرداخت بودجه و اعتبارات مخارج قونسولگری ایران در چخانسور و فراد مجلس شورای ملی اجازه میدهد مادامی که وسائل صدور حواله وجه بمحل مزبور فراهم نیست برای قونسولگری مذکور سالیانه در حدود سی هزار قران پون مسكوك ایران از سیستان به چخانسور حمل شود این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

معافیت مواد شیمیائی و اثاثیه فنی دفع ملخ از حقوق گمرکی و عوارض دیگر

ماده واحده - کلیه مواد شیمیائی و اثاثیه فنی که برای دفع ملخ باسم وزارت اقتصاد ملی از تاریخ ششم بهمن ماه ۱۳۰۸ بعد وارد ایران شده و یا در آتیه وارد خواهد شد علاوه بر معافیت حقوق گمرکی از پرداخت هرگونه عوارض دیگری از قبیل عوارض راه و انبار داری و شانسلری و غیره نیز معاف میباشد این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم شهریور ماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویت مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه الحاق دولت ایران بقرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد الحاق قطعی ایران را به قرار داد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقد شده در ژنو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۲۳ (۲۸ خرداد ۱۳۰۲) که مشتمل بر يك ماده و يك پرتکل اختتامیه میباشد اطلاع دهد .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه چهارم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر